



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۳۴۰
۴ دی‌المنه ۱۴۴۴ شماره ۳۷۰۵

(۶)

یک دنیا راه را دویده‌ام

نسا خوش‌نیت، بانویی که در ۲۶ سالگی دچار معلولیت شد
با پشت‌کار دوچندان توانست، دست دیگر توان‌یابان را هم بگیرد



از زمره دانشجویان زرنگ دانشگاه بود که هر ترم در رشته خودشان اول می‌شوند و همه نمراتشان بیش از ۱۸ است، آن قدر زرنگ و درس‌خوان که در همه مراسم‌ها از او دعوت می‌شده است و همین رفت‌وآمد در مسیر تقدیرها یک روز کار دستش می‌دهد و این دانشجوی نخبه را برای همیشه روی صندلی چرخ‌دار می‌نشانند.

و جامعه برای پذیرفتن آن‌ها مقاومت می‌کند. «شاید بخشی از مشکل از طرف خود ما باشد که در جامعه دیده نشده‌ایم. چند وقت پیش برای برنامه‌ای بلیت خریدم ولی وقتی آنجا رفتم من را با صندلی چرخ‌دار قبول نمی‌کردند. گفتم باید از اول و زمان فروش بلیت می‌نوشتید خرید برای افراد دارای معلولیت ممنوع است! آنجا خیلی سر و صدا کردم و در نهایت از عذرخواهی کردند ولی به آن‌ها گفتم که آن قدر از این رفتارها دیده‌ام که دیگر پوستم کلفت شده است اما شما باید به حقوق معلولان توجه کنید زیرا آن‌ها هم عضوی از این جامعه هستند. البته جامعه‌ای که هنوز به چشم نیازمند به ما کمک می‌کند و برای تبلیغات و کمک جمع کردن از افراد دارای معلولیت استفاده می‌شود، نیازمند کار فرهنگی اساسی است.»

خانم خوش‌نیت در کنار فعالیت‌های فرهنگی خود یک مرکز به نام «مثبت زندگی» نیز برای خدمات‌رسانی بیشتر به افراد دارای معلولیت راه انداخته است. او به افرادی که مانند خودش با مشکلات جسمی و روحی درگیر هستند مشاوره‌های رایگان می‌دهد و زمینه اشتغال در حوزه‌های مختلف به خصوص اشتغال خانگی را برای این جامعه ایجاد کرده است. او هم چنین یک هنرمند پیکرتراش و عکاس حرفه‌ای نیز هست.



خانه بمانم و بیرون نیایم. می‌ترسیدم زمین بخورم اما با کمک مشاورم راه افتادم. الان دیگر زمین خوردن برایم یک جورهایی جنبه طنز پیدا کرده است. یادم هست اولین باری که جرئت کردم و تنهایی بیرون آمدم، برای پسرکم که در کنکور قبول شده بود لباس خریدم و جشن کوچکی به این مناسبت برای او گرفتم.»

پوستم کلفت شده است
او کمر همت را به حمایت از جامعه معلولان می‌بندد و در محافل مختلف، به دنبال احقاق حقوق افرادی است که مانند او مشکلاتی دارند

کردم. فقط حوزه کارم را تغییر دادم. آن زمان، کار با سیستم و نرم‌افزارها را یاد گرفتم و معاون اجرایی شدم و زندگی با همین شرایط ادامه پیدا کرد. حتی درس را هم ادامه دادم. زمان تصادف، ترم سوم دانشگاه بودم و ترم چهارم را خودم در تخت درس خواندم و در خانه امتحان دادم. توانایی نوشتن نداشتم. پاسخ‌ها را می‌گفتم و نماینده‌ای که برای امتحان گرفتن آمده بود می‌نوشت. آن ترم در رشته خودم نفر سوم شدم و فوق دیپلم علوم اجتماعی گرفتم.»

می‌ترسیدم از خانه بیرون بیایم
رسیدن به روشنی از تاریکی‌ای که ناگهان در آن قرار می‌گیری کاری سخت است و هر کسی از پس آن برنمی‌آید. خیلی‌ها گوشه‌نشین و افسرده می‌شوند ولی عده‌ای دیوار تاریکی را می‌شکنند. «واقعا پذیرفتن این شرایط سخت بود و من نمی‌دانستم در دنیای تاریک معلولیت چه باید بکنم. در این دنیای تاریک، یک مشاور به فریاد رسید و راه را نشانم داد. به همین علت، خودم هم در زمینه مشاوره وارد شدم و الان به بچه‌های دارای معلولیت بدون دریافت هیچ هزینه‌ای مشاوره می‌دهم. جامعه برای اتفاقی که در آن هیچ نقشی نداشتم من را قضاوت می‌کرد. این قضاوت‌ها آن قدر زیاد بود که می‌ترسیدم از خانه بیرون بیایم. شده بود که سه روز گرسنه در

اتوبوس دانشگاه چپ کرد
نسا خوش‌نیت سال ۸۲ در مسیر شیروان به مشهد در اثر سانحه تصادف برای همیشه توان راه رفتن را از دست می‌دهد. او که از دانشجویان نمونه دانشگاه شیروان بود، در روز وحدت حوزه و دانشگاه، برای تقدیر به مشهد دعوت می‌شود اما در میانه راه، اتوبوس آن‌ها چپ می‌کند. «سال ۸۲ چون از دانشجویان نمونه بودم برای مراسم مختلف از من دعوت می‌شد. آن سال به مراسمی که در روز وحدت حوزه و دانشگاه در مشهد برگزار می‌شد دعوت بودم که در راه، اتوبوس دانشگاه چپ کرد. یازده نفر بودیم. یک نفر فوت کرد و من و یکی دیگر از بچه‌ها دچار معلولیت شدیم. آن زمان ۲۶ سالم بود، پسرکم کلاس اول بود و ما در شیروان زندگی می‌کردیم.»

۳۰ سال خدمت کردم
او هم‌زمان با تحصیل، معلم پایه ابتدایی هم بود اما بعد از این اتفاق، مسیر زندگی‌اش تغییر می‌کند. «شوهرم اوایل مشکل من را پذیرفته بود و با هم زندگی می‌کردیم اما بعد از مدتی، ازدواج کرد و در سال ۹۵ که به مشهد آمدم، از هم جدا شدیم. می‌گفت اداره دو نفربرایش سخت است و من پذیرفتم. با همین شرایط به کارم ادامه دادم. می‌خواستند من را بازنشسته کنند اما قبول نکردم و سی سال خدمت

آمار جمعیتی معلولان در ایران و جهان

طبق آمارهای جهانی، حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان یعنی بیش از یک میلیارد نفر با نوعی از معلولیت زندگی می‌کنند. افراد دارای معلولیت در حوزه‌های مختلف از جمله اجتماع، اقتصاد و آموزش امکان مشارکت کمتری دارند و در مقایسه با افراد بدون معلولیت با مشکلات اقتصادی بیشتری روبه‌رو هستند.

در ایران، افراد دارای معلولیت بخش قابل توجهی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و مطابق گزارش سازمان بهداشت جهانی، به طور متوسط هر صد ایرانی در مجموع ۵/۹ سال با نوعی از معلولیت زندگی می‌کنند و این رقم در کشورهای توسعه‌یافته مانند آلمان ۶.۸، هلند ۶.۴، سوئد ۶.۸ و در کشورهای غیر توسعه‌یافته مانند چاد ۱۳.۶، نیجریه ۱۳.۲ و زامبیا ۱۴.۲ است.

بر اساس تازه‌ترین داده‌های آماری حوزه جمعیت سازمان بهداشتی کشور، طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ میزان ۲۰ درصد از جمعیت کل کشور را جامعه معلولان تشکیل می‌دهند که با توجه به آمارهای اعلامی مختلف در این حوزه که از سهم ده‌درصدی معلولان از جمعیت کشور حکایت دارد که نشان‌دهنده آمار دقیق در این حوزه است.

منبع: سازمان جهانی بهداشت

نقش دولت در اشتغال‌زایی برای معلولان

بر اساس ماده یک قانون جامع حمایت از معلولان، دولت موظف است زمینه لازم را برای تأمین حقوق معلولان فراهم و حمایت‌های لازم را از آن‌ها به عمل آورد. هم‌چنین بر مبنای ماده هفتم قانون جامع حمایت از معلولان، دولت وظیفه دارد برای ایجاد فرصت شغلی برای افراد معلول، تسهیلاتی مانند اختصاص حداقل سه درصد (۳ درصد) استخدام دستگاه‌های دولتی و عمومی به افراد معلول، تأمین حق بیمه سهم کارفرما از سوی سازمان بزه‌یستی و پرداخت آن به کارفرمایانی که افراد معلول را به کار می‌گیرند، پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی به افراد معلول، اختصاص حداقل شصت درصد (۶۰ درصد) از پست‌های سازمانی تلفنچی (اپراتور تلفن) دستگاه‌های دولتی به افراد نابینا، کم‌بینا و معلولان جسمی حرکتی و اختصاص حداقل شصت درصد (۶۰ درصد) از پست‌های سازمانی تصدی دفتری و ماشین‌نویسی دستگاه‌ها، شرکت‌ها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی حرکتی را فراهم کند. براساس قانون، سازمان بزه‌یستی کشور مجاز است در قالب اعتبارات مصوب خود، صندوق فرصت‌های شغلی معلولان و مددجویان بزه‌یستی را ایجاد و اساسنامه آن را به تصویب هیئت وزیران برساند. هم‌چنین سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور موظف است آموزش‌های لازم فنی و حرفه‌ای را متناسب با بازار کار برای معلولان به صورت رایگان و تلفیقی تأمین کند.